

## اظهار نظر کارشناسی درباره:

### «طرح اقدام متقابل ایران در برابر ترور شهید قاسم سلیمانی»



#### مقدمه

پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و جریحه‌دار شدن احساسات مردم ایران و تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران بر انتقام سخت از آمران و عاملان این ضایعه، لزوم مبادرت به اقدامی انتقامی در این رابطه و اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا بیش از پیش احساس گردید. باید به این نکته توجه داشت که مبادرت ورزیدن به انتقام سخت و اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ با دولت‌های منطقه و گروه‌های مقاومت و طی این مسیر از رهیافت‌های قانونی است. طراحی و تدوین قانون یکی از اقدامات مناسب در راستای انتقام سخت و اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیاست. طرح «اقدام متقابل ایران در برابر ترور شهید قاسم سلیمانی» نیز در این راستا و با این هدف از قلم گذشته است اما از استانداردهای لازم جهت تبدیل شدن به قانون برخوردار نیست که در ذیل بیان می‌شود.

#### ارزیابی

##### ماده (۱)

- اخراج نیروهای آمریکا از منطقه یک راهبرد کلان است بنابراین شایسته نیست در قالب قانونی مجزا به تصویب مجلس برسد.
- مفهوم «اخراج» باید به شکل کامل و دقیق تعریف و تبیین شود.
- عبارت «اقدامات لازم» و «اقدام لازم» دارای ابهام است و اقدامات لازم باید مشخصاً توضیح داده شود.
- در عبارت «دولت جمهوری اسلامی ایران مجاز است...»، صرف اعطای «اجازه» به دولت جمهوری اسلامی ایران برای انعقاد موافقتنامه، واجد تکلیف جدیدی نبوده و موضوعی است که به موجب اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی به دولت اعطا شده است و تکرار آن بلاوجه است. طبق این اصل، توافق مورد نظر نهایتاً باید به تصویب مجلس برسد.
- عبارت «تمام دستگاه‌های دولتی مکلف به برنامه‌ریزی جهت اخراج نیروهای نظامی آمریکا می‌باشد» کلی، مبهم و ازسویی دارای ایراد است. قطعاً کارویژه برخی از دستگاه‌های دولتی بی‌ارتباط با این طرح خواهد بود؛ از این رو شایسته است تا صرفاً دستگاه‌های دولتی که وظایفی در حیطه این طرح داشته و یا توانایی مشارکت در آن را دارند به صورت مشخص نام برده شود (همانند ماده (۲)).

#### مشخصات طرح

شماره ثبت:

۳۶۶

شماره چاپ:

۴۵۴

تاریخ چاپ:

۱۳۹۹/۱۲/۱۰

#### معاونت مطالعات سیاسی

#### مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۷۶۰۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۴/۲۷



- باید جغرافیای مورد نظر به صورت دقیق تبیین شود؛ آیا هدف اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه غرب آسیاست یا صرفاً اخراج از عراق مد نظر است؟ در صورتی که منظور اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیاست، باید عبارت «غرب آسیا» به صورت کامل نگاشته شود.<sup>۱</sup>
- بیان عبارت «حسب وظایف قانونی خود...» متضمن تاکید بر اجرای وظایف قانونی قبلی خود است که اساساً کارکرد قانون چیزی فراتر از تاکید بر تکالیف قبلی است. تصویب این حکم به صورت قانونی دارای تبعات حقوقی خواهد بود.

#### ماده (۲)

- حکم این ماده دارای تبعات و آثار نامطلوب بین‌المللی بوده و موجب ایجاد فشار و اتهام‌زنی به نظام جمهوری اسلامی در موارد نامربوط دیگر و نوشتن مسئولیت هرگونه اقدامی از سوی سایر گروه‌ها به نام ایران خواهد بود.
- مفاد این ماده متضمن حکم جدیدی نبوده و مشخصاً تکلیف روشنی را بار نمی‌کند.
- عبارت «تصمیمات مقتضی» مبهم و نامشخص است و باید تبیین شود.
- باید نقش هریک از نهادها به صورت دقیق تبیین و مشخص شود لذا عبارت «با همکاری» دارای ابهام است؛ برای مثال نقش وزارت دفاع در این زمینه چیست؟
- برخی از کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس میزبان پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی هستند، از این رو تصمیم‌ها و اقدام‌های یک‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشورها و یا نیروهای آمریکا منجر به تیرگی روابط ایران و آن کشور میزبان خواهد شد. با این اوصاف تمام اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و نهادهای آن باید با هماهنگی کشور میزبان و نهادهای هم‌سطح آن صورت پذیرد.
- ضابطه تشخیص اینکه کدام‌یک از اقدام‌های نیروهای آمریکایی موجب به مخاطره افتادن منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بیان نشده که موجب ابهام است.

#### ماده (۳)

- حکم مقرر در این ماده مغایر با بند «۴» اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد و نیاز به اذن مقام معظم رهبری دارد.
- حکم این ماده دارای تبعات و آثار نامطلوب بین‌المللی بوده و موجب ایجاد فشار و اتهام‌زنی به نظام جمهوری اسلامی در موارد نامربوط دیگر و نوشتن مسئولیت هرگونه اقدامی از سوی سایر گروه‌ها به نام ایران خواهد بود.
- واژه «نیروهای قدس» باید به «نیروی قدس» تبدیل شود.
- تصویب چنین ماده‌ای در قانون در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از لحاظ اقتصادی تحت فشار است ممکن است در پی تحریک رسانه‌های معاند با مخالفت و نارضایتی افکار عمومی مواجه شود.
- در این ماده نه مشخص شده است که دقیقاً چه مقدار از منابع نیروی قدس می‌تواند به اهدای جایزه اختصاص یابد و نه مشخص شده منابعی که به این امر اختصاص می‌یابد از طریق کاهش هزینه‌ها در کدام بخش از مصارف عادی و پیشین این نیرو فراهم می‌شود.

#### ماده (۴)

- واژه «متخلف» به اشتباه «مختلف» درج شده که نیاز به اصلاح دارد.
- صدر ماده دارای ابهام است. لازم است مشخص شود که منظور از عبارت «هرگونه مشارکت در خصوص اقدامات مشمول بند «۴» ماده

۱. از نگارش عبارت «خاورمیانه» خودداری شود.

(۲) قانون...»، آن است که مفهوم مشارکت در این ماده، همان مفهوم مشارکت در بند «۴» ماده (۲) قانون «مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» است یا اینکه منظور این ماده از مشارکت، مشارکت اتباع ایرانی در مشارکت مؤثر (موضوع بند «۴» ماده (۲) قانون مذکور) است؟ بر این اساس لازم است تا عبارت «هرگونه مشارکت» مورد بازنگری قرار گرفته و محدوده مشخصی برای آن در نظر گرفته شود. شایان ذکر است، زمانی که فعالیتی ممنوع و برای آن مجازات تعیین می‌شود، باید مشخصاً و به صورت دقیق بیان شود. لذا عبارت «هرگونه مشارکت» از آنجا که به صورت مشخص بیان نشده است، در این جایگاه دارای ایراد است.

• علت تکرار حکم ماده (۲) قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه، در این ماده و تفاوت این دو روشن نیست.

• جاسوسی در نظام حقوقی ایران و در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی، دارای مجازات‌های متفاوتی است که لازم است در این ماده معلوم شود که اقدام مذکور، مشمول مجازات کدام یک از انواع جاسوسی است؟ ضمن آنکه ماده (۵۰۸) قانون مجازات اسلامی به طور عام بیان می‌کند که «هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد»، لذا به نظر می‌رسد مفاد این ماده، متضمن حکم جدیدی نسبت به ماده (۵۰۸) قانون مجازات نبوده و بیان آن ضرورتی ندارد.

• عبارت «نهادهای مربوطه» در تبصره «۱» نیاز به تبیین دارد. همچنین در مورد اینکه آیا سایر همکاری‌ها با موضوعاتی غیر از موارد مذکور مشمول ممنوعیت خواهد بود یا نه ساکت است.

• تبصره «۲» این ماده مبنی بر به‌روزرسانی مصادیق نهادهای پوششی در هر سه ماه ممکن است مورد سوءاستفاده نهادهای پوششی قرار گیرد و به اقدام‌های مخرب در فاصله زمانی موجود میان هربار معرفی بپردازند.

• تبصره «۳» دارای ابهام بوده و مشخص نیست که اقدام‌های لازم چیست و از سوی کدام دستگاه انجام می‌پذیرد. عبارت «دستگاه‌های مربوطه» دارای ابهام است.

#### ماده (۵)

- شایسته است جمله به صورت مثبت نوشته شود.
- تحریم‌کنندگان و تحریم‌شوندگان باید مشخص شوند که چه کسانی هستند.
- از لحاظ نوشتاری عبارت «سازمان‌های و شرکت‌ها» نیاز به ویرایش دارد.
- مقصود از خدمات در گزاره «ارائه خدمات» باید مشخص شود.
- در تدوین این ماده حتماً باید تجربه و اقدام‌های دیگر کشورهای تحریم شده از سوی آمریکا مطالعه و استفاده شود؛ همانند قانون مقابله با اعمال و قوانین ناعادلانه فراسرزمینی و سایر اقدام‌های خارجی چین و قوانین انسداد اتحادیه اروپا.

#### ماده (۶)

• بخشی از واردات ایران از آمریکا از جنس کالاهای بشردوستانه است. کالاهای بشردوستانه با ذکر تعاریف باید از ماده (۶) مستثنا شوند. در رابطه با سایر کالاها نیز کلی‌گویی این ماده مشکل‌ساز خواهد بود. کلی‌گویی در مورد منع باعث می‌شود تا هر نوع واردات منوط به طی کردن رویه‌های اداری و استعلام از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی باشد. با توجه به اینکه صادرات کالاهای آمریکایی بجز مواردی معدود به ایران به خاطر وجود انواع مختلف تحریم ناممکن است حیطة شمول این ماده بسیار محدود می‌شود لذا تعیین مصداق کالاها، امر دشواری نیست. اگر این کلی‌گویی برطرف نشود، مبهم بودن ماده قانونی صرفاً باعث خواهد شد تا واردات کالاهای بشردوستانه و ضروری از آمریکا با صرف زمان و مشقت بیشتر در سایه ناطمینامی به وجود

آمده انجام شود؛ حتی در صورتی که مسئله ممنوعیت ذکر شده در این ماده پیشنهادی مورد قبول باشد در نظر نگرفتن مسئله بازصادرات کالاهای آمریکایی باعث خواهد شد تا این ماده در عمل ضمانت رسیدن به اهداف خود را نداشته باشد.

#### ماده (۷)

• این ماده دارای بار مالی بوده و عدم تعیین محل تأمین آن موجب مغایرت با اصل هفتادوپنجم قانون اساسی است. همچنین با توجه به اینکه حکم مذکور تابع عوامل متعددی است، امکان دستیابی به آن در زمان مشخص شده دور از انتظار بوده و موجب بی اعتبار شدن این ماده خواهد بود. لازم است تبعات اقتصادی و امکان سنجی آن به صورت دقیق مد نظر قرار گیرد.

• اگرچه این ماده در سطح کلان جهت تقویت پول ملی و کاهش وابستگی به تجارت خارجی مناسب بوده و حتی باید دستورالعمل کلان نهادهای مختلف اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران شود، اما ارتباطی با طرح حاضر ندارد. اگر هدف از این ماده تقویت اقتصاد داخلی جمهوری اسلامی ایران در راستای انتقام از آمریکا است، در این صورت مفاد اقتصادبنیان دیگری نیز باید لحاظ شود.

• چند نکته پیرامون این ماده وجود دارد که به شرح ذیل است:

- نخست اینکه تبدیل ذخایر بانک مرکزی به طلا، ارتباطی با ارزش مورد استفاده در تجارت خارجی کشور ندارد. یک کشور می تواند ۹۰ درصد از ذخایر بانک مرکزی خود را به صورت طلا نگهداری کند، اما کل تجارت خارجی خود را با دلار انجام دهد. نکته دیگر این است که تجارت خارجی یک فرایند دوطرفه بوده و عرصه چانه زنی و تفاهم است. در این چانه زنی، امور مختلفی از قبیل کیفیت کالاهای مورد معامله، روش حمل و نقل، روش تبادل اسناد، ارزش واسط، روش نقل و انتقال وجوه و غیره مورد بحث قرار می گیرد؛ بنابراین در این تفاهم، یک طرف نمی تواند خواست خود را بر دیگری تحمیل کند و برای مثال به طرف مقابل بقبولاند که حتماً با ارزش خاصی معامله کنند. اینکه منابع مالی یک دولت تبدیل به چه کالاها یا ارزهایی شود تابع سیاست های تجاری آن کشور است که البته یک کشور، بنا به اقتضای شرایط خاص خود می تواند با کشورهای طرف تجاری وارد گفتگو شده و پیمان های تجاری خاص را در راستای کنار گذاشتن ارزش واسط منعقد کند.

- نکته دیگر این است که خرید طلا با منابع ریالی خود یک سیاست انبساطی محسوب می شود که رشد نقدینگی و افزایش تورم را در پی خواهد داشت. به علاوه تهیه طلا در این حجم توسط بانک مرکزی اگر در بازار داخلی باشد موجب افزایش چشمگیر تقاضا و به تبع آن افزایش قیمت خواهد شد. چنانچه محل تأمین این مقدار طلا بازارهای بین المللی باشد هم باید ملاحظات مربوط به تأمین منابع ارزی مورد توجه واقع شود.

- نکته دیگر این است که استفاده از ذخایر ارزی موجود برای تهیه طلا صرفاً موجب تبدیل ذخایر از ارزش به طلا می شود و همان عواقب کاهش منابع ارزی را در پی خواهد داشت. استفاده از ارزش حاصل از صادرات هم برای این منظور توصیه نمی شود، زیرا به کاهش منابع ارزی برای واردات و جهش قیمت ارز منجر خواهد شد. تنها منبع پیشنهادی برای تهیه این مقدار طلا ارزش حاصل از صادرات نفت و فراورده های نفتی است که در بانک کشورهای خریدار بلوکه می شوند. البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که محدودیت های تحریمی موجود برای استفاده از این ذخایر و همچنین تحریم طلا و فلزات گرانبها برای این تبادل مشکل ساز خواهد بود، اما بهترین پیشنهاد جهت استیفای حقوق ملی و افزایش ذخایر طلا با حداقل آسیب تورمی و آشفستگی بازارهای داخلی استفاده از همین منابع بلوکه شده یا منابع آتی که در روند معمول بلوکه خواهند شد است.

- نکته دیگر که در رابطه با الزام بانک مرکزی به افزایش ذخایر طلا باید به آن توجه نمود جریان ورود و خروج طلا به این بانک است. بانک مرکزی پیش از این برای مصارف گوناگون از ذخایر طلای خود استفاده می کرد و از این رو یک جریان خروج طلا هم داشت. متعاقب الزام بانک مرکزی به افزایش ذخایر طلا، مصارف طلایی بانک مرکزی هم محدود خواهد شد و این مسئله هم یک دوگانگی در موارد ضروری

ایجاد می‌کند و هم بازار داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فارغ از مسئله تقابل با آمریکا ایران باید بازار و ذخایر طلای خود را ساماندهی کند که این موارد باید در طرح‌های مستقل و به‌دور از شتابزدگی مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد.

- مبنای کارشناسی تعیین ۳۰٪ افزایش ذخایر طلا و مهلت یک‌ساله برای انجام این امر نیز مشخص نیست. ازسوی دیگر نحوه ارائه حکم این ماده به قوانین با ماهیت برنامه‌ای شباهت دارد و نه قانون دائمی. این سؤال وجود دارد که آیا در هر دوره زمانی به‌طور مستمر باید ۳۰٪ به ذخایر موجود طلا اضافه شود؟

## ماده (۸)

- جمله‌بندی در میانه سطر سوم ایراد دارد و باید بازنویسی شود.
- طرز نگارش این ماده با ادبیات مرسوم قانون‌نویسی فاصله دارد و لازم است اصلاح نگارشی در آن صورت گیرد.
- به‌نظر می‌رسد عبارت «طرف تجاری ایران» در این ماده زائد است و باید حذف شود.
- نحوه ایجاد تکلیف در این ماده که منوط به توافق کشورهای دیگر نیز هست تماماً بر عهده نهادهای مذکور در کشور، به نوعی است که نمی‌توان اجرای آن را تضمین نمود و ممکن است با عدم اجرای آن مواجه شود که این نکته مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
- تجارت خارجی و به‌طور کلی، انعقاد پیمان‌های پولی، متوقف بر اراده دو کشور طرف تجاری است. الزام دولت به انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه که در ماده (۱۳) قانون برنامه ششم توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است نتیجه عملیاتی خاصی به همراه نداشته است. بهتر است به‌جای تصویب مجدد این تکلیف، موانع عملیاتی شدن تکالیف قبلی مورد بررسی و مطالبه قرار گیرد.
- باید به این نکته توجه داشت که صرف انعقاد پیمان‌های پولی، عبور از تحریم‌های مالی و بانکی و خنثی‌سازی آنها را محقق نمی‌سازد. خنثی‌سازی این تحریم‌ها منوط به تدبیر خروج از کل دایره تأثیرگذاری و نظارت‌پذیری تحریمی است که بخشی از آن با انعقاد پیمان پولی محقق می‌شود. نباید پیمان پولی یا هرکدام از دیگر راهکارها نظیر سیستم تهاتر، اتاق تسویه و غیره که برای عبور از تحریم پیشنهاد می‌شوند به منزله راهکار کامل قلمداد شوند و لازم است برای کل زنجیره مبادلات مالی و بانکی با استفاده از تمامی ابزارها برنامه‌ریزی شود. نکته حائز اهمیت این است که بسیاری از این موارد نیاز به قانونگذاری ندارند باید با رویه‌های اجرایی و وضع مقررات انجام شوند.
- مراد از کشورهای منطقه‌ای و نیز پنج کشوری که دارای بیشترین مراودات سیاسی، تجاری و اقتصادی با کشور هستند معلوم نیست و ممکن است میزان مراودات سیاسی با روابط تجاری و اقتصادی، لزوماً هم‌تراز نباشد لذا بهتر است به‌طور مشخص معیار تعیین این کشورها ارائه شود.
- انعقاد پیمان‌های پولی نباید محدود به چند کشور منطقه، همسایه و شریک تجاری شود. برای تمرکززدایی از روابط تجاری که لازمه مقاوم‌سازی نظام تجارت است باید به سمت ایجاد زیرساخت‌های مالی مشترک با کشورهایی که حجم تجارت عملیاتی بالایی با ایران ندارند، ولی از ظرفیت بالقوه تجارت بالایی برخوردار هستند حرکت شود. انعقاد پیمان پولی نباید صرفاً به‌صورت پسینی و با نگاه به حجم فعلی تجارت باشد، بلکه هدفگذاری‌های تجاری هم باید در اولویت‌بندی‌ها دخیل شود؛ به‌عبارت دیگر لزوم زمینه‌سازی برای حرکت به سمت وضع مطلوب تجاری باید در اولویت بندی انعقاد پیمان‌ها مورد توجه قرار گیرد. مسئله دیگر این است که نفت و فرآورده‌های نفتی سهم بالایی در تجارت ایران دارند. باید مشخص شود شرکای بزرگ تجاری با احتساب تجارت انرژی گزینش می‌شوند یا فقط به تجارت غیرنفتی بسنده می‌شود.
- نکته دیگر این است که انعقاد پیمان پولی با همه کشورهایی که در حال حاضر شریک اصلی تجاری ایران هستند، لزوماً مفید نیست، زیرا برخی از آنان همانند امارات دارای سیستم مالی رصدپذیر است.

## ماده (۹)

- این ماده در چارچوب وظایف قانونی وزارت امور خارجه است.

## ماده (۱۰)

- این ماده قانونی به مصلحت کشور نیست.

• حکم این ماده از جنس سیاست‌های کلی نظام بوده و در صلاحیت مقام معظم رهبری است. ورود به آن از جانب مجلس شورای اسلامی مغایر بند «۱» اصل یکصد و نهم قانون اساسی است.

- در ذیل ماده لازم است پس از عبارت «مسئول مربوطه»، «در صورت تخلف از این حکم» افزوده شود.

• اطلاق این ماده و بیان عبارت «هرگونه» به نحوی است که حتی مذاکراتی با هدف تقویت توان تسلیحاتی یا سایر انواع همکاری با هدف پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی نیز مشمول این ممنوعیت باشد که شایسته به نظر نمی‌رسد.

## ماده (۱۱)

- این درخواست باید توسط گروه‌های سیاسی و مردم فلسطین دنبال شود.

• استفاده از عبارت «رفراندوم» بر خلاف اصل پانزدهم قانون اساسی بوده و باید با عبارت «همه‌پرسی» جایگزین شود.

- لازم است منظور از «پیگیری بین‌المللی» و چگونگی اقدام دولت به صورت مشخص تبیین شود.

## ماده (۱۲)

• تعیین سیاست‌های کلی نظام در صلاحیت مقام معظم رهبری است. ورود به آن از جانب مجلس شورای اسلامی مغایر بند «۱» اصل یکصد و نهم قانون اساسی است.

- تصویب این ماده قانونی برای کشور تبعات نامناسبی به دنبال خواهد داشت.

## ماده (۱۳)

• شیوه نگارش این ماده نیاز به اصلاح و ویراستاری دارد از جمله ساختار جملات و اصلاح کلماتی همچون «همچون».

• ایجاد تکلیف برای نیروهای مسلح، ممکن است با مغایرت با بند «۴» اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی مواجه شود و نیاز به اذن مقام معظم رهبری دارد.

• عبارت «نهادهای دولتی و فرهنگی مرتبط» و نیز اینکه مشخصاً چه محصولاتی و به کدام کشورها صادر شود، دارای ابهام است.

• چنین طرح‌هایی باید از طریق دیگر سازمان‌های فرهنگی - بین‌المللی دنبال شود؛ همانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

• تأمین مالی این طرح‌ها در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با مشکلات اقتصادی مواجه است امری قابل تأمل است و در صورت ایجاد بار مالی و عدم تعیین چگونگی تأمین آن، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

• برخی عبارات و اصطلاحات باید اصلاح شود: همچون «نوآوری یا طرح‌های فرهنگی» به جای «فناوری های فرهنگی» - «تمادها» به جای «نمادسازی‌ها».

• برگزاری نمایشگاه‌های فصلی جنایات آمریکا و نگارش و ترجمه کتاب در این رابطه به زبان کشورهای منطقه امری شایسته است.

• نمادسازی و ایجاد قهرمان ملی از سرداران و فرماندهان محور مقاومت و تبدیل آن به سبک زندگی گروه‌های محور مقاومت اقدامی قابل تقدیر و ارزنده در این رابطه است.

## ماده (۱۴)

- این ماده از عنوان طرح خروج موضوعی داشته و ارتباط آن مشخص نیست. لازم است مفاد این حکم در قوانین مرتبط افزوده شود.
- لازم است تا عنوان کامل «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» در این ماده جایگزین شود.
- عبارت «طرح متمرکز نخبه‌گزینی» دارای ابهام و فاقد تعریف مشخص است.
- اگر منظور از «مردم هر کشور» کشورهای محور مقاومت یا همسایگان یا غیره هستند لازم است تصریح شود.

## ماده (۱۵)

- عبارت «مهاجرین» به دلیل ساختار نادرست در جمع بستن مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی به نظر می‌رسد و باید با عبارت «مهاجران» تغییر نماید.
- نگارش این ماده دارای ایراد است و نیاز به اصلاح دارد. ماده (۹۸۰) قانون مدنی سخنی از «مهاجرین و پناهندگان» به میان نیاورده است و لذا عبارت «مهاجرین و پناهندگان مشمول ماده (۹۸۰)» صحیح نیست. اگر مقصود افزودن مهاجرین و پناهندگان به مفاد ماده (۹۸۰) قانون مدنی است باید به نحو دیگری بیان شود. در مجموع به نظر می‌رسد این ماده حاوی حکم جدیدی نبوده و صرفاً تأکید بر اجرای ماده مذکور است.
- ارتباطی میان موضوع طرح یعنی «اقدام متقابل ایران در برابر ترور شهید قاسم سلیمانی» و تسهیل شرایط اقامت برای اتباع خارجی که خدمات یا مساعدت‌های شایانی برای جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند وجود ندارد.
- عبارت موانع امنیتی مبهم است و مشخص نیست که مقصود طراحان از این واژه چیست.
- صدور مجوز اقامت دائمی برای اتباع خارجی هزینه‌هایی را به دولت به‌ویژه در حوزه ارائه خدمات عمومی، تحمیل خواهد کرد. براساس اصل هفتادوپنجم قانون اساسی طرح‌هایی که به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی در مجلس قابل طرح است که در آن راه جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مشخص شده باشد. بنابراین این ماده ممکن است دارای اشکال اصل هفتادوپنجم قانون اساسی به نظر برسد که رفع آن نیازمند مشخص شدن محل تأمین هزینه‌هاست.
- به نظر می‌رسد با توجه به مشکلات ایجاد شده در صدور تابعیت براساس ماده (۹۸۰) قانون مدنی برای مهاجرانی که خدمات خاص و ویژه‌ای برای ایران انجام داده‌اند، ماده (۱۵) این طرح ارائه شده و تابعیت به اقامت تغییر یافته است تا مهاجران مورد نظر از حداقل امکانات بهره‌مند شوند.

## جمع‌بندی

- این طرح به سه محور کلان سیاسی، نظامی و اقتصادی پرداخته، اما نتوانسته است به‌صورت دقیق به تبیین نقشه راه بپردازد. اگر هدف این طرح اخراج اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا از منطقه غرب آسیاست لاجرم باید طیف وسیعی از اقدام‌های تقنینی، مقرراتی و اجرایی در این راستا صورت پذیرد. طرح حاضر از استانداردهای لازم جهت تصویب و تبدیل شدن به قانون برخوردار نیست زیرا به تعیین سیاست‌های کلی نظام به‌ویژه در مباحث نظامی و امنیتی پرداخته است. در حالی که تعیین سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های گوناگون به موجب بند «۱» اصل یکصدودهم قانون اساسی برعهده مقام معظم رهبری بوده و مرجع تعیین سیاست‌های امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از سوی رهبر انقلاب، به موجب بند «۱» اصل یکصدوهفتادوششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی امنیت ملی کشور است. بر این اساس، ورود مجلس شورای اسلامی به موضوع این طرح در مورد اقدام متقابل - که تصمیمات

مقتضی درباره آن قبلاً اخذ شده است- در اکثر موارد، موجب تعارض و تداخل با صلاحیت‌های مذکور و موجب مغایرت با قانون اساسی شده است. پاره‌ای از احکام مذکور در این طرح نیز در سایر قوانین مورد اشاره قرار گرفته‌اند که در صورت نیاز به اصلاح یا تقویت آن بهتر است در جای خود مورد بازبینی قرار گیرند. مقدمه توجیهی طرح حاضر مختصر و فاقد ادله کافی است که طبق بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی مقام معظم رهبری و همچنین ماده (۱۲۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بیان شده است. این طرح به صورت کلی، اجمالی، از قلم گذشته است. وجود عبارات مبهم و دوپهلوی در جملات، بی‌ارتباطی برخی مفاد به موضوع و تأکید بر تصویب مفاد الزام‌آور برای نیروهای مسلح و برخی ایرادهای حقوقی از جمله مهم‌ترین مشکلات این طرح است.

ماده تبصره	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱)		مخالف			<p>اخراج نیروهای آمریکا از منطقه یک راهبرد کلان است بنابراین شایسته نیست در قالب قانونی مجزا به تصویب مجلس برسد.</p> <p>مفهوم «اخراج» باید به شکل کامل و دقیق تعریف و تبیین شود.</p> <p>عبارت «اقدامات لازم» و «اقدام لازم» دارای ابهام است و اقدامات لازم باید مشخصاً توضیح داده شود.</p> <p>در عبارت «دولت جمهوری اسلامی ایران مجاز است...»، صرف اعطای «اجازه» به دولت جمهوری اسلامی ایران برای انعقاد موافقتنامه، واجد تکلیف جدیدی نبوده و موضوعی است که به موجب اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی به دولت اعطا شده است و تکرار آن بلاوجه است. طبق این اصل، توافق مورد نظر نهایتاً باید به تصویب مجلس برسد.</p> <p>عبارت «تمام دستگاه‌های دولتی مکلف به برنامه‌ریزی جهت اخراج نیروهای نظامی آمریکا می‌باشد» کلی، مبهم و از سویی دارای ایراد است. قطعاً کارویژه برخی از دستگاه‌های دولتی بی‌ارتباط با این طرح خواهد بود؛ از این رو شایسته است تا صرفاً دستگاه‌های دولتی که وظایفی در حیطه این طرح داشته و یا توانایی مشارکت در آن را دارند به صورت مشخص نام برده شود (همانند ماده (۲)).</p> <p>باید جغرافیای مورد نظر به صورت دقیق تبیین شود؛ آیا هدف اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه غرب آسیاست یا صرفاً اخراج از عراق مد نظر است؟ در صورتی که منظور اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیاست، باید عبارت «غرب آسیا» به صورت کامل نگاشته شود. ۱</p> <p>بیان عبارت «حسب وظایف قانونی خود...» متضمن تأکید بر اجرای وظایف قانونی قبلی خود است که اساساً کارکرد قانون چیزی فراتر از تأکید بر تکالیف قبلی است. تصویب این حکم به صورت قانونی دارای تبعات حقوقی خواهد بود.</p>	
ماده (۲)		مخالف			<p>حکم این ماده دارای تبعات و آثار نامطلوب بین‌المللی بوده و موجب ایجاد فشار و اتهام‌زنی به نظام جمهوری اسلامی در موارد نامربوط دیگر و نوشتن مسئولیت هرگونه اقدامی از سوی سایر گروه‌ها به نام ایران خواهد بود.</p> <p>مفاد این ماده متضمن حکم جدیدی نبوده و مشخصاً تکلیف روشنی را بار نمی‌کند.</p> <p>عبارت «تصمیمات مقتضی» مبهم و نامشخص است و باید تبیین شود.</p> <p>باید نقش هریک از نهادها و نحوه همکاری آن‌ها به صورت دقیق تبیین و مشخص شود لذا عبارت «با همکاری» دارای ابهام است؛ برای نمونه نقش وزارت دفاع در این زمینه چیست؟</p> <p>برخی از کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس میزبان پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی هستند، از این رو تصمیم‌ها و اقدام‌های یک‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشورها و یا نیروهای آمریکا منجر به تیرگی روابط ایران و آن کشور میزبان خواهد شد. با این اوصاف تمام اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و نهادهای آن باید با هماهنگی کشور میزبان و نهادهای هم‌سطح آن صورت پذیرد؛ در غیر این صورت اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران به مثابه دخالت در امور داخلی کشورها به‌شمار خواهد رفت.</p> <p>ضابطه تشخیص اینکه کدام یک از اقدامات نیروهای آمریکایی موجب به مخاطره افتادن منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بیان نشده که موجب ابهام است.</p>	

۱. از نگارش عبارت «خاورمیانه» خودداری شود.

ماده تبصره	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۳)		مخالف			حکم مقرر در این ماده مغایر با بند «۴» اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد و نیاز به اذن مقام معظم رهبری دارد. حکم این ماده دارای تبعات و آثار نامطلوب بین‌المللی بوده و موجب ایجاد فشار و اتهام‌زنی به نظام جمهوری اسلامی در موارد نامربوط دیگر و نوشتن مسئولیت هرگونه اقدامی از سوی سایر گروه‌ها به نام ایران خواهد بود. واژه «نیروهای قدس» باید به «نیروی قدس» تبدیل شود. تصویب چنین ماده‌ای در قانون در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از لحاظ اقتصادی و مردم آن از حیث معیشتی تحت فشار هستند ممکن است در پی تحریک رسانه‌های معاند با مخالفت و نارضایتی افکار عمومی مواجه شود. در این ماده نه مشخص شده است که دقیقاً چه مقدار از منابع نیروی قدس می‌تواند به اهدای جایزه اختصاص یابد و نه مشخص شده منابعی که به این امر اختصاص می‌یابد از طریق کاهش هزینه‌ها در کدام بخش از مصارف عادی و پیشین این نیرو فراهم می‌شود.	
ماده (۴)		مخالف			این ماده به شکل دیگری در طرحی دیگر در حال بررسی در مجلس است و بهتر است ذیل طرح حاضر مسکوت بماند. واژه «متخلف» به اشتباه «مختلف» درج شده که نیاز به اصلاح دارد. صدر ماده دارای ابهام است. لازم است مشخص شود که منظور از عبارت «هرگونه مشارکت در خصوص اقدامات مشمول بند «۴» ماده (۲) قانون...»، آن است که مفهوم مشارکت در این ماده، همان مفهوم مشارکت در بند «۴» ماده (۲) قانون «مقابل با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» است یا اینکه منظور این ماده از مشارکت، مشارکت اتباع ایرانی در مشارکت مؤثر (موضوع بند «۴» ماده (۲) قانون مذکور) است؟ بر این اساس لازم است تا عبارت «هرگونه مشارکت» مورد بازنگری قرار گرفته و محدوده مشخصی برای آن در نظر گرفته شود. شایان ذکر است، زمانی که فعالیتی ممنوع و برای آن مجازات تعیین می‌شود، باید مشخصاً و به صورت دقیق بیان شود. لذا عبارت «هرگونه مشارکت» از آنجا که به صورت مشخص بیان نشده است، در این جایگاه دارای ایراد است. علت تکرار حکم ماده (۲) قانون مقابل با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه، در این ماده و تفاوت این دو روشن نیست. جاسوسی در نظام حقوقی ایران و در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی، دارای مجازات‌های متفاوتی است که لازم است در این ماده معلوم شود که اقدام مذکور، مشمول مجازات کدام یک از انواع جاسوسی می‌باشد؟ ضمن آنکه ماده (۵۰۸) قانون مجازات اسلامی به‌طور عام بیان می‌کند که «هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به‌هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد»، لذا به‌نظر می‌رسد مفاد این ماده، متضمن حکم جدیدی نسبت به ماده (۵۰۸) قانون مجازات نبوده و بیان آن ضرورتی ندارد. عبارت «نهادهای مربوطه» در تبصره «۱» نیاز به تبیین دارد. همچنین در مورد اینکه آیا سایر همکاری‌ها با موضوعاتی غیر از موارد مذکور مشمول ممنوعیت خواهد بود یا نه ساکت است. تبصره «۲» این ماده مبنی بر روزرسانی مصادیق نهادهای پوششی در هر سه ماه ممکن است مورد سوءاستفاده نهادهای پوششی قرار گیرد و به اقدام‌های مخرب در فاصله زمانی موجود میان هر بار معرفی بپردازند. تبصره «۳» دارای ابهام بوده و مشخص نیست که اقدامات لازم چیست و از سوی کدام دستگاه انجام می‌پذیرد. عبارت «دستگاه‌های مربوطه» دارای ابهام است.	
ماده (۵)			موافق به شرط اصلاح		شایسته است جمله به‌صورت مثبت نوشته شود. تحریم‌کنندگان و تحریم‌شوندگان باید مشخص شوند که چه کسانی هستند. از لحاظ نوشتاری عبارت «سازمان‌های و شرکت‌ها» نیاز به ویرایش دارد. مقصود از خدمات در گزاره «ارائه خدمات» باید مشخص شود. در تدوین این ماده حتماً باید تجربه و اقدام‌های دیگر کشورهای تحریم شده از سوی آمریکا مطالعه و استفاده شود؛ همانند قانون مقابل با اعمال و قوانین ناعادلانه فرانس‌زمینی و سایر اقدام‌های خارجی چین و قوانین انسداد اتحادیه اروپا.	
ماده (۶)		مخالف			بخشی از واردات ایران از آمریکا از جنس کالاهای بشردوستانه است. کالاهای بشردوستانه با ذکر تعاریف باید از ماده (۶) مستثنا شوند. در رابطه با سایر کالاها نیز کلی‌گویی این ماده مشکل‌ساز خواهد بود. کلی‌گویی در مورد منع باعث می‌شود تا هرنوع واردات منوط به طی کردن رویه‌های اداری و استعلام از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی باشد. با توجه به اینکه صادرات کالاهای آمریکایی بجز مواردی معدود به ایران به خاطر وجود انواع مختلف تحریم ناممکن است حیطة شمول این ماده بسیار محدود می‌شود لذا تعیین مصداق کالاها، امر دشواری نیست.	

ماده تبصره	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
					اگر این کلی‌گویی بر طرف نشود، مبهم بودن ماده قانونی صرفاً باعث خواهد شد تا واردات کالاهای بشردوستانه و ضروری از آمریکا با صرف زمان و مشقت بیشتر در سایه ناطمینامی به‌وجود آمده انجام شود؛ حتی در صورتی که مسئله ممنوعیت ذکر شده در این ماده پیشنهادی مورد قبول باشد در نظر نگرفتن مسئله بازصادرات کالاهای آمریکایی باعث خواهد شد تا این ماده در عمل ضمانت رسیدن به اهداف خود را نداشته باشد.	
ماده (۷)		مخالف			این ماده دارای بار مالی بوده و عدم تعیین محل تأمین آن موجب مغایرت با اصل هفتادوپنجم قانون اساسی است. همچنین با توجه به اینکه حکم مذکور تابع عوامل متعددی است، امکان دستیابی به آن در زمان مشخص شده دور از انتظار بوده و موجب بی‌اعتبار شدن این ماده خواهد بود. لازم است تبعات اقتصادی و امکان‌سنجی آن به‌صورت دقیق مد نظر قرار گیرد.	
					اگرچه این ماده در سطح کلان جهت تقویت پول ملی و کاهش وابستگی به تجارت خارجی مناسب بوده و حتی باید دستورالعمل کلان نهادهای مختلف اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران شود، اما ارتباطی با طرح حاضر ندارد. اگر هدف از این ماده تقویت اقتصاد داخلی جمهوری اسلامی ایران در راستای انتقام از آمریکا است، در این صورت مفاد اقتصادبنیان دیگری نیز باید لحاظ شود.	
					چند نکته پیرامون این ماده وجود دارد که به‌شرح ذیل است: نخست اینکه تبدیل ذخایر بانک مرکزی به طلا، ارتباطی با ارز مورد استفاده در تجارت خارجی کشور ندارد. یک کشور می‌تواند ۹۰ درصد از ذخایر بانک مرکزی خود را به‌صورت طلا نگهداری کند، اما کل تجارت خارجی خود را با دلار انجام دهد. نکته دیگر این است که تجارت خارجی یک فرایند دوطرفه بوده و عرصه چانه‌زنی و تفاهم است. در این چانه‌زنی، امور مختلفی از قبیل کیفیت کالاهای مورد معامله، روش حمل‌ونقل، روش تبادل اسناد، ارز واسط، روش نقل و انتقال وجوه و غیره مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بنابراین در این تفاهم، یک طرف نمی‌تواند خواست خود را بر دیگری تحمیل کند و برای مثال به طرف مقابل بقبولاند که حتماً با ارز خاصی معامله کنند. اینکه منابع مالی یک دولت تبدیل به چه کالاها یا ارزهایی شود تابع سیاست‌های تجاری آن کشور است که البته یک کشور، بنا به اقتضای شرایط خاص خود می‌تواند با کشورهای طرف تجاری وارد گفتگو شده و پیمان‌های تجاری خاص را در راستای کنار گذاشتن ارز واسط منعقد کند.	
					نکته دیگر این است که خرید طلا با منابع ریالی خود یک سیاست انبساطی محسوب می‌شود که رشد نقدینگی و افزایش تورم را در پی خواهد داشت. به‌علاوه تهیه طلا در این حجم توسط بانک مرکزی اگر در بازار داخلی باشد موجب افزایش چشمگیر تقاضا و به‌تبع آن افزایش قیمت خواهد شد. چنانچه محل تأمین این مقدار طلا بازارهای بین‌المللی باشد هم باید ملاحظاتی مربوط به تأمین منابع ارزی مورد توجه واقع شود.	
					نکته دیگر این است که استفاده از ذخایر ارزی موجود برای تهیه طلا صرفاً موجب تبدیل ذخایر از ارز به طلا می‌شود و همان عواقب کاهش منابع ارزی را در پی خواهد داشت. استفاده از ارز حاصل از صادرات هم برای این منظور توصیه نمی‌شود زیرا منجر به کاهش منابع ارزی برای واردات و جهش قیمت ارز خواهد شد. تنها منبع پیشنهادی برای تهیه این مقدار طلا ارز حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است که در بانک کشورهای خریدار بلوکه می‌شوند. البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که محدودیت‌های تحریمی موجود برای استفاده از این ذخایر و همچنین تحریم طلا و فلزات گرانبها برای این تبادل مشکل‌ساز خواهد بود، اما بهترین پیشنهاد جهت استیفای حقوق ملی و افزایش ذخایر طلا با حداقل آسیب تورمی و آشفتنی بازارهای داخلی استفاده از همین منابع بلوکه شده یا منابع آتی که در روند معمول بلوکه خواهند شد است.	
					نکته دیگر که در رابطه با الزام بانک مرکزی به افزایش ذخایر طلا باید به آن توجه نمود جریان ورود و خروج طلا به این بانک است. بانک مرکزی پیش از این برای مصارف گوناگون از ذخایر طلای خود استفاده می‌کرد و از این رو یک جریان خروج طلا هم داشت. متعاقب الزام بانک مرکزی به افزایش ذخایر طلا، مصارف طلایی بانک مرکزی هم محدود خواهد شد و این مسئله هم یک دوگانگی در موارد ضروری ایجاد می‌کند و هم بازار داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فارغ از مسئله تقابل با آمریکا ایران باید بازار و ذخایر طلای خود را ساماندهی کند که این موارد باید در طرح‌های مستقل و به‌دور از شتابزدگی مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد.	
					مبنای کارشناسی تعیین ۳۰٪ افزایش ذخایر طلا و مهلت یک‌ساله برای انجام این امر نیز مشخص نیست. از سوی دیگر نحوه ارائه حکم این ماده به قوانین با ماهیت برنامه‌ای شباهت دارد و نه قانون دائمی. این سؤال وجود دارد که آیا در هر دوره زمانی به‌طور مستمر باید ۳۰٪ به ذخایر موجود طلا اضافه شود؟	

ماده تبصره	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی	
ماده (۸)		مخالف			<p>جمله‌بندی در میانه سطر سوم ایراد دارد و باید بازنویسی شود.</p> <p>طرز نگارش این ماده با ادبیات مرسوم قانون‌نویسی فاصله دارد و لازم است اصلاح نگارشی در آن صورت گیرد.</p> <p>به نظر می‌رسد عبارت «طرف تجاری ایران» در این ماده زائد است و باید حذف شود.</p> <p>نحوه ایجاد تکلیف در این ماده که منوط به توافق کشورهای دیگر نیز هست تماماً برعهده نهادهای مذکور در کشور، به نوعی است که نمی‌توان اجرای آن را تضمین نمود و ممکن است با عدم اجرای آن مواجه شود که این نکته مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.</p> <p>تجارت خارجی و به‌طور کلی، انعقاد پیمان‌های پولی، متوقف بر اراده دو کشور طرف تجاری است. الزام دولت به انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه که در ماده (۱۳) قانون برنامه ششم توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است نتیجه عملیاتی خاصی به همراه نداشته است. بهتر است به‌جای تصویب مجدد این تکلیف، موانع عملیاتی شدن تکالیف قبلی مورد بررسی و مطالبه قرار گیرد.</p> <p>باید به این نکته توجه داشت که صرف انعقاد پیمان‌های پولی، عبور از تحریم‌های مالی و بانکی و خنثی‌سازی آنها را محقق نمی‌سازد. خنثی‌سازی این تحریم‌ها منوط به تدبیر خروج از کل دایره تأثیرگذاری و نظارت‌پذیری تحریمی است که بخشی از آن با انعقاد پیمان پولی محقق می‌شود. نباید پیمان پولی یا هر کدام از دیگر راهکارها نظیر سیستم تهاتر، اتاق تسویه و غیره که برای عبور از تحریم پیشنهاد می‌شوند به منزله راهکار کامل قلمداد شوند و لازم است برای کل زنجیره مبادلات مالی و بانکی با استفاده از تمامی ابزارها برنامه‌ریزی شود. نکته حائز اهمیت این است که بسیاری از این موارد نیاز به قانونگذاری ندارند باید با رویه‌های اجرایی و وضع مقررات انجام شوند.</p> <p>مراد از کشورهای منطقه‌ای و نیز پنج کشوری که دارای بیشترین مراودات سیاسی، تجاری و اقتصادی با کشور هستند معلوم نیست و ممکن است میزان مراودات سیاسی با روابط تجاری و اقتصادی، لزوماً هم‌تراز نباشد لذا بهتر است به‌طور مشخص معیار تعیین این کشورها ارائه شود.</p> <p>انعقاد پیمان‌های پولی نباید محدود به چند کشور منطقه، همسایه و شریک تجاری شود. برای تمرکززدایی از روابط تجاری که لازمه مقاوم‌سازی نظام تجارت است باید به سمت ایجاد زیرساخت‌های مالی مشترک با کشورهایی که حجم تجارت عملیاتی بالایی با ایران ندارند، ولی از ظرفیت بالقوه تجارت بالایی برخوردار هستند حرکت شود.</p> <p>انعقاد پیمان پولی نباید صرفاً به‌صورت پسینی و با نگاه به حجم فعلی تجارت باشد، بلکه هدفگذاری‌های تجاری هم باید در اولویت‌بندی‌ها دخیل شود؛ به‌عبارت دیگر لزوم زمینه‌سازی برای حرکت به سمت وضع مطلوب تجاری باید در اولویت‌بندی انعقاد پیمان‌ها مورد توجه قرار گیرد. مسئله دیگر این است که نفت و فرآورده‌های نفتی سهم بالایی در تجارت ایران دارند. باید مشخص شود شرکای بزرگ تجاری با احتساب تجارت انرژی گزینش می‌شوند یا فقط به تجارت غیر نفتی بسنده می‌شود.</p> <p>نکته دیگر این است که انعقاد پیمان پولی با همه کشورهایی که در حال حاضر شریک اصلی تجاری ایران هستند، لزوماً مفید نیست، زیرا برخی از آنان همانند امارات دارای سیستم مالی رصدپذیر است.</p>		
ماده (۹)		مخالف			این ماده در چارچوب وظایف قانونی وزارت امور خارجه است.		
ماده (۱۰)		مخالف			این ماده قانونی به مصلحت کشور نیست.	<p>حکم این ماده از جنس سیاست‌های کلی نظام بوده و در صلاحیت مقام معظم رهبری است. ورود به آن از جانب مجلس شورای اسلامی مغایر بند «۱» اصل یکصدودهم قانون اساسی است.</p> <p>در ذیل ماده لازم است پس از عبارت «مسئول مربوطه»، «در صورت تخلف از این حکم» افزوده شود.</p> <p>اطلاق این ماده و بیان عبارت «هرگونه» به‌نحوی است که حتی مذاکراتی با هدف تقویت توان تسلیحاتی یا سایر انواع همکاری با هدف پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی نیز مشمول این ممنوعیت باشد که شایسته به‌نظر نمی‌رسد.</p>	
ماده (۱۱)		مخالف			این درخواست باید توسط گروه‌های سیاسی و مردم فلسطین دنبال شود.	<p>استفاده از عبارت «فرانودم» برخلاف اصل پانزدهم قانون اساسی بوده و باید با عبارت «همه‌پرسی» جایگزین شود.</p> <p>لازم است منظور از «پیگیری بین‌المللی» و چگونگی اقدام دولت به‌صورت مشخص تبیین شود.</p>	
ماده (۱۲)		مخالف			تعیین سیاست‌های کلی نظام در صلاحیت مقام معظم رهبری است. ورود به آن از جانب مجلس شورای اسلامی مغایر بند «۱» اصل یکصدودهم قانون اساسی است.	تصویب این ماده قانونی برای کشور تبعات نامناسبی به دنبال خواهد داشت.	

ماده تبصره	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱۳)			موافق به شرط اصلاح		<p>شیوه نگارش این ماده نیاز به اصلاح و برآستاری دارد از جمله ساختار جملات و اصلاح کلماتی همچون «همچون».</p> <p>ایجاد تکلیف برای نیروهای مسلح، ممکن است با مغایرت با بند «۴» اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی مواجه شود و نیاز به اذن مقام معظم رهبری دارد.</p> <p>عبارت «نهادهای دولتی و فرهنگی مرتبط» و نیز اینکه مشخصاً چه محصولاتی و به کدام کشورها صادر شود، دارای ابهام است.</p> <p>چنین طرح‌هایی باید از طریق دیگر سازمان‌های فرهنگی - بین‌المللی دنبال شود؛ همانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.</p> <p>تأمین مالی این طرح‌ها در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با مشکلات اقتصادی و معیشتی بسیار زیادی دست و پنجه نرم می‌کند امری قابل تأمل است و در صورت ایجاد بار مالی و عدم تعیین چگونگی تأمین آن، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.</p> <p>برخی عبارات و اصطلاحات باید اصلاح شود: همچون «نوآوری یا طرح‌های فرهنگی» به جای «فناوری‌های فرهنگی» - «تمادها» به جای «نمادسازی‌ها».</p> <p>برگزاری نمایشگاه‌های فصلی جنایات آمریکا و نگارش و ترجمه کتاب در این رابطه به زبان کشورهای منطقه امری شایسته است. نمادسازی و ایجاد قهرمان ملی از سرداران و فرماندهان محور مقاومت و تبدیل آن به سبک زندگی گروه‌های محور مقاومت اقدامی قابل تقدیر و ارزنده در این رابطه است.</p>	اصلاحی
ماده (۱۴)		مخالف			<p>این ماده از عنوان طرح خروج موضوعی داشته و ارتباط آن مشخص نیست. لازم است مفاد این حکم در قوانین مرتبط افزوده شود.</p> <p>لازم است تا عنوان کامل «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» در این ماده جایگزین شود.</p> <p>عبارت «طرح متمرکز نخبه‌گزینی» دارای ابهام و فاقد تعریف مشخص است.</p> <p>اگر منظور از «مردم هر کشور» کشورهای محور مقاومت یا همسایگان یا غیره هستند لازم است تصریح شود.</p>	
ماده (۱۵)		مخالف			<p>عبارت «مهاجرین» به دلیل ساختار نادرست در جمع بستن مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی به نظر می‌رسد و باید با عبارت «مهاجران» تغییر نماید.</p> <p>نگارش این ماده دارای ایراد است و نیاز به اصلاح دارد. ماده (۹۸۰) قانون مدنی سخنی از «مهاجرین و پناهندگان» به میان نیاورده است و لذا عبارت «مهاجرین و پناهندگان مشمول ماده (۹۸۰)» صحیح نیست. اگر مقصود افزودن مهاجرین و پناهندگان به مفاد ماده (۹۸۰) قانون مدنی است باید به نحو دیگری بیان شود. در مجموع به نظر می‌رسد این ماده حاوی حکم جدیدی نبوده و صرفاً تأکید بر اجرای ماده مذکور است.</p> <p>ارتباطی میان موضوع طرح یعنی «اقدام متقابل ایران در برابر ترور شهید قاسم سلیمانی» و تسهیل شرایط اقامت برای اتباع خارجی که خدمات یا مساعدت‌های شایانی برای جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند وجود ندارد.</p> <p>عبارت موانع امنیتی مبهم است و مشخص نیست که مقصود طراحان از این واژه چیست.</p> <p>صدور مجوز اقامت دائمی برای اتباع خارجی هزینه‌هایی را به دولت به‌ویژه در حوزه ارائه خدمات عمومی، تحمیل خواهد کرد. براساس اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی طرح‌هایی که به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی در مجلس قابل طرح است که در آن راه جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مشخص شده باشد. بنابراین این ماده ممکن است دارای اشکال اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی به نظر برسد که رفع آن نیازمند مشخص شدن محل تأمین هزینه‌هاست.</p> <p>به نظر می‌رسد باتوجه به مشکلات ایجاد شده در صدور تابعیت براساس ماده (۹۸۰) قانون مدنی برای مهاجرانی که خدمات خاص و ویژه‌ای برای ایران انجام داده‌اند، ماده (۱۵) این طرح ارائه شده و تابعیت به اقامت تغییر یافته است تا مهاجران مورد نظر از حداقل امکانات بهره‌مند شوند.</p>	اصلاحی